

*6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



عوامل زمینه‌ساز افزایش نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۳۵۸ تا

۱۳۹۸

محمود بحرانی

دانشگاه شیراز

چکیده

طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. افزایش تدریجی میزان طلاق و کاهش آمارهای ازدواج در ایران در سال‌های اخیر توجه بیشتری را به خود جلب نموده و علل و عوامل آن مورد سوال قرار گرفته است. در این پژوهش که به شیوه توصیفی-تحلیلی به اجرا در آمده است، زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی در بستر تاریخی چهار دهه بعد از انقلاب ۱۳۵۷ به عنوان همبسته‌های طلاق مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. داده‌های آماری حکایت از افزایش شاخص نسبت طلاق به ازدواج در این چهل سال دارد و افت و خیرهای آماری مربوط به آن، نقاطی را نشان می‌دهد که بحران‌های سیاسی و اجتماعی در آن برجسته بوده و مسائل اقتصادی بستر ساز فشارها یا تخفیف‌های مرتبط با ازدواج و طلاق است. شرایط جنگی و فشار تحریم‌های اقتصادی در برهه‌های زمانی مختلف در این راستا بسیار اثرگذار تلقی می‌شود و چاره‌اندیشی در این باره می‌تواند برگشت به شرایط عادی را موجب شود.

کلیدواژه‌ها: طلاق، ازدواج، تحریم، جنگ، زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی و سیاسی.

*6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



مقدمه

ازدواج از قراردادهای اجتماعی مهمی است که اساسی‌ترین بنیاد جامعه یعنی خانواده را شکل می‌دهد. طلاق فروپاشی یک ازدواج است که به هر دلیل دوام پیدا نکرده است. به همان اندازه که ازدواج نکوهیده است طلاق نامیمون و تأسفانگیز است، زیرا اثرات آن بر افراد، خانواده و جامعه زبان‌بار است. از این رو آمار ازدواج و طلاق همواره زیر زره‌بین پژوهشگران عرصه اجتماعی و روانشناسی و نیز مسئولین امور جامعه بوده است. شواهد نشان می‌دهد این دو پدیده به موازات هم شکل می‌گیرند و عوامل مختلفی بر آنها اثر دارد که محققان به آن پرداخته‌اند. در ادامه بررسی‌های قبلی پیرامون ازدواج و طلاق (بحرانی، ۱۳۹۲، ۱۳۹۹) در این مقاله پژوهشی همایندهای سیاسی-اجتماعی مرتبط با فراز و نشیب‌های آمار طلاق مورد توجه قرار گرفته است. پیش از این تحقیقات مرتبط با علل طلاق بیشتر بر عوامل اجتماعی و روان‌شناختی متمرکز بوده‌اند و عوامل اقتصادی کمتر مد نظر قرار می‌گرفت (کلانتری، روشن فکر و جواهری، ۱۳۹۰). در این مقاله عوامل اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه در برهه‌های زمانی مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند، زیرا بحران‌های اقتصادی در سطح جامعه اثرات آشکاری را نشان می‌دهد. برای این کار در آغاز به بررسی تحقیقات مرتبط پیشین می‌پردازیم.

مطالعات پیشین

دوره‌های سخت اقتصادی در جامعه، نتایج زبان‌باری بر خانواده‌ها دارد که از جمله آنها احتمال گسیختگی خانواده و بی‌سامانی آن است. محرومیت اقتصادی تعاملات مثبت زوجین را کاهش، و آنها را به سوی طلاق سوق می‌دهد (کانگر و همکاران، ۱۳۹۰، به نقل از فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵).

نقش بیکاری و تورم بر نرخ طلاق در تحقیقات زیادی مورد تأیید قرار گرفته است (درگاهی، قاسمی و بیرانوند، ۱۳۹۷؛ فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵). وضعیتی که در آنها تقاضاهای محیط از منابع و ظرفیت افراد برای رویارویی با آنها فراتر است، مشقت اقتصادی نامیده می‌شود و موجب فشار روانی می‌شود. فشار روانی نیز به نوبه خود باعث تضعیف کیفیت روابط زناشویی می‌شود. بیکاری بلندمدت و مشقت اقتصادی باعث افزایش فشار روانی روانشناختی و اختلاف شدید بین زوجین می‌شود (آمانو و بیٹی، ۲۰۱۱، به نقل از فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵). درگاهی و همکاران (۱۳۹۷) بر اساس مطالعه داده‌های ۳۰ استان کشور طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۹۴ و نتایج برآورد الگو، دریافتند که نرخ طلاق با بی‌کاری رابطه مثبت دارد. به گفته آنان رویکرد مشقت اقتصادی در توضیح رفتار طلاق در ایران مورد تأیید است. به عبارت دیگر اشتغال در پایداری و استمرار زندگی مشترک خانواده‌های ایرانی تأثیر مثبت دارد. در این راستا، بهبود فضای کسب و کار و رشد اقتصادی معطوف به ایجاد اشتغال درآمدزا در کشور، آثار مثبت و قابل توجهی در حفظ زندگی مشترک و جلوگیری از زیان‌های بزرگ اجتماعی طلاق در کشور دارد. همچنین نتایج تحقیق یادشده حکایت از آثار نامناسب تورم بر تداوم زندگی مشترک در خانواده‌های ایرانی حکایت داشت. نتایج پژوهش آنان در مورد رفتار طلاق در چرخه‌های تجاری کشور نشان داد که در ایران رفتار طلاق، به شکل رفتار مخالف چرخه‌ای است به طوری که در دوره‌های رونق اقتصادی، با توجه به افزایش سطح درآمد و رفاه خانواده‌ها، تمایل زوجین به ادامه زندگی مشترک افزایش می‌یابد در حالی که در دوره‌های رکود، با ایجاد فشارهای اقتصادی در خانواده، احتمال رخداد طلاق افزایش می‌یابد. به عبارت

1. Conger, R. D

2. Amato, P. R., & Beattie, B

*6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



دیگر، رونق اقتصادی از عوامل استحکام خانواده بشمار آمده و منجر به کاهش طلاق می‌شود، در حالی که رکود اقتصادی طلاق را می‌افزاید (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷).

عسکری ندوشن، شمس قهفرخی و شمس قهفرخی (۱۳۹۸) در مطالعه خود روند تغییرهای طلاق و همچنین، مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی افراد مطلقه ایران را بررسی کردند. برای این کار، از داده‌های ثبت احوال کشور، و همچنین، از نتایج منتشرشده سرشماری‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ و اطلاعات فردی مربوط به نمونه ۲ درصدی سرشماری ۱۳۹۵ استفاده کردند. آنان برای بررسی اهمیت نسبی همبسته‌های متفاوت افراد، مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌های سطح فردی سرشماری ۱۳۹۵ را به کار بردند. یافته‌های پژوهش، روند رو به رشد طلاق را در طی سالیان اخیر نشان داد. درصد افراد مطلقه طی سرشماری‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ افزایش داشت، نسبت افراد مطلقه باسواد بیشتر از افراد مطلقه بی‌سواد بود، بیشترین طلاق‌ها در سال‌های ابتدایی ازدواج اتفاق افتاده بود. مطابق یافته‌های تحلیل چندمتغیره نیز احتمال بودن در وضعیت طلاق، در بین زنان بیش از مردان، در بین ساکنان نقاط شهری بیش از نقاط روستایی و در میان بیکاران، بیش از سایر وضعیت‌ها بود. همچنین، تحصیلات، رابطه‌ای U شکل معکوس را با تجربه طلاق نشان می‌داد؛ به طوری که داشتن تحصیلات «راهنمایی و متوسطه» و «دیپلم»، بیشترین احتمال ماندن در وضعیت طلاق بود و در سطوح پایین‌تر و بالاتر تحصیلی این احتمال کمتر برآورد می‌شد.

براساس تحقیق فلاحی و دلدار (۱۳۹۵) که با استفاده از روش اقتصادسنجی مبتنی بر الگوی داده‌های تابلویی انجام گرفت، تمام ضرایب برآوردی در الگو بر طلاق تأثیر مستقیم و معناداری داشت. آنان دریافتند که با افزایش یک درصد بیکاری، طلاق به میزان ۰/۱۳۴ درصد افزایش می‌یابد و در صورتی که تورم یک درصد افزایش یابد، طلاق ۰/۱۳۳ درصد افزایش می‌یابد؛ به این ترتیب ملاحظه می‌شود اندازه برآوردی تأثیر این دو عامل مهم اقتصادی در طلاق با یکدیگر تقریباً برابر است. همچنین در صورتی که میزان تحصیلات عالی یک درصد افزایش یابد، میزان طلاق ۰/۱۳ درصد افزایش و در نهایت در صورتی که میزان شهرنشینی یک درصد افزایش یابد، میزان طلاق به میزان ۲/۸۸ درصد افزایش می‌یابد.

تحلیل پدیده طلاق در بستر وضعیت فرهنگی- اقتصادی استان فارس بوسیله محمودیانی (۱۳۹۹) نشان داد که بین میزان بیکاری مردان و نسبت طلاق همبستگی مثبت و در مقابل بین میزان بیکاری زنان و نسبت طلاق همبستگی منفی وجود دارد. تحقیقات بسیار دیگری نیز اثر اشتغال مردان بر کاهش نرخ طلاق را نشان داده‌اند. بطور نمونه بورگس پروپر و آسویو^۳ (۲۰۰۳) با بررسی اهمیت درآمد جوانان آمریکایی برای تشکیل خانواده دریافتند که درآمد بالای مردان احتمال ازدواج را افزایش و احتمال طلاق را کاهش می‌دهد. البته در مورد زنان وضعیت فرق داشت، درآمد بالای زنان احتمال ازدواج را کاهش ولی بر طلاق اثری نداشت. کامرون، ۱۹۹۶).

³ . Burgess, Propper & Aassve

**6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle**



شواهد موجود حاکی از آن است که فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ و تحریم‌های اقتصادی باعث کاهش نرخ ازدواج در بین جوانان بویژه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها شده است، و در نتیجه تأخیر در ازدواج میانگین سن دختران و پسران بطور معناداری افزایش یافته و از طرفی از میزان ازدواج‌ها کاسته شده است. یک پیامد دیگر این شرایط که به نظر می‌رسد عوامل اقتصادی بر آن بسیار تأثیرگذار بوده است افزایش میزان طلاق در جامعه است که بحران بیکاری و فشارهای اقتصادی از عوامل اصلی آن فرض می‌شوند. برای یافتن سرخ‌هایی از تأثیر چنین عواملی، لازم است با واکاوی بحران‌های پیش‌آمده در مقاطع مختلف زمانی و دنبال کردن تغییرات نرخ ازدواج و طلاق، ارتباط آنها را با پدیده ازدواج و طلاق بررسی کنیم. بدین منظور پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که آیا می‌توان بین تحولات اقتصادی-اجتماعی دوران پس از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران و تغییرات نسبت طلاق به ازدواج پیوندهای مشخصی برقرار کرد؟

روش تحقیق

در این پژوهش داده‌های خام مرکز آمار ایران مبنای بررسی قرار گرفته است، از این رو روش‌شناسی آن را باید از نوع اسنادی و شیوه توصیفی-تحلیلی دانست که بر عوامل پس از وقوع تکیه دارد. جامعه آماری شامل اطلاعات جمعیت‌شناسی مربوط به سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ می‌باشد. دو شاخص فراوانی ازدواج‌ها و طلاق‌های رسمی ثبت شده برای محاسبه نسبت طلاق به ازدواج در هر سال مورد استفاده قرار گرفتند. بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی به سبک نقل تحلیلی برهه‌های زمانی حساس و توضیح رخدادهای مرتبط صورت گرفته است.

تحلیل داده‌ها

آمار نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸ بر اساس اطلاعات بر گرفته از سایت مرکز آمار ایران در این نوشتار مورد بحث و بازنمایی قرار می‌گیرد. جدول ۱ به این اطلاعات اختصاص دارد.

جدول ۱ آمار نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۸

سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج	سال	ازدواج	طلاق	نسبت طلاق به ازدواج
۱۳۵۸	۳۰۲۶۶۷	۲۱۱۷۰	۶٫۹۹	۱۳۵۸	۶۴۶۴۹۸	۵۳۷۹۷	۸٫۳۲
۱۳۵۹	۳۳۷۱۱۹	۲۳۹۸۷	۷٫۱۲	۱۳۸۰	۶۴۰۷۱۰	۶۰۵۵۹	۹٫۴۵
۱۳۶۰	۲۹۴۴۹۹	۲۴۴۲۳	۸٫۲۹	۱۳۸۱	۶۵۰۹۶۰	۶۷۲۵۶	۱۰٫۳۳
۱۳۶۱	۳۵۳۹۴۴	۳۱۲۲۱	۸٫۸۲	۱۳۸۲	۶۸۱۰۳۴	۷۲۳۵۹	۱۰٫۶۲
۱۳۶۲	۴۱۰۷۹۹	۳۵۸۶۷	۸٫۷۳	۱۳۸۳	۶۰۲۳۴۷	۶۳۱۲۵	۱۰٫۴۸
۱۳۶۳	۳۸۴۸۷۶	۳۵۱۷۸	۹٫۱۴	۱۳۸۴	۷۸۷۸۱۸	۸۴۲۴۱	۱۰٫۶۹
۱۳۶۴	۴۰۸۲۸۲	۳۸۹۸۳	۹٫۵۵	۱۳۸۵	۷۷۸۰۲۳	۹۴۰۴۰	۱۲٫۰۹

**6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle**

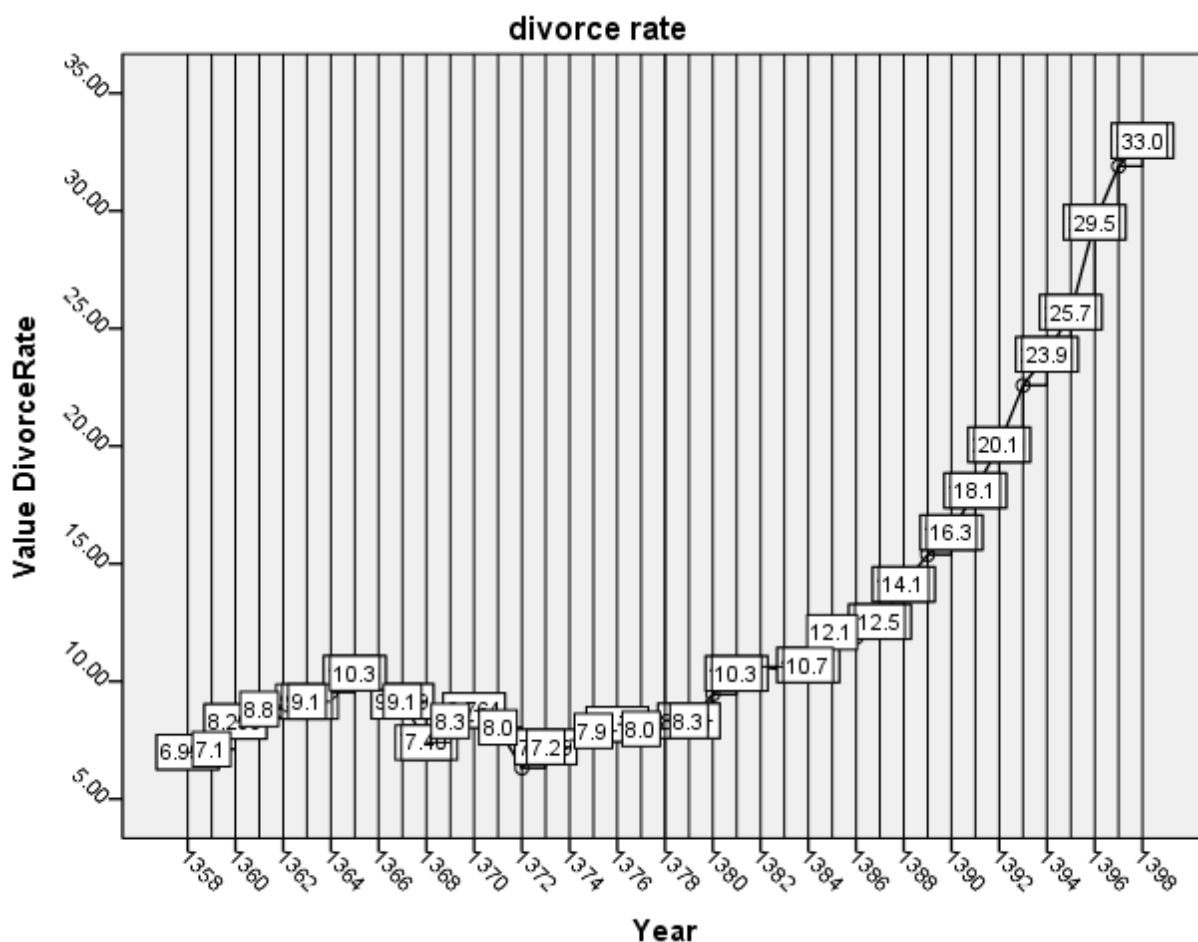


۱۱,۸۷	۹۹۸۵۲	۸۴۱۱۰۷	۱۳۸۶		۱۰,۳۵	۳۵۲۱۱	۳۴۰۳۴۲	۱۳۶۵
۱۲,۵۴	۱۱۰۵۱۰	۸۸۱۵۹۲	۱۳۸۷		۹,۶۴	۳۳۴۳۳	۳۴۶۶۵۲	۱۳۶۶
۱۴,۱۳	۱۲۵۷۴۷	۸۹۰۲۰۸	۱۳۸۸		۹,۱۵	۳۳۱۱۴	۳۶۱۹۴۵	۱۳۶۷
۱۵,۳۹	۱۳۷۲۰۰	۸۹۱۶۲۷	۱۳۸۹		۷,۴۰	۳۳۹۴۳	۴۵۸۷۰۸	۱۳۶۸
۱۶,۳۳	۱۴۲۸۴۱	۸۷۴۷۹۲	۱۳۹۰		۸,۳۱	۳۷۸۲۷	۴۵۴۹۶۳	۱۳۶۹
۱۸,۱۱	۱۵۰۳۲۴	۸۲۹۹۶۸	۱۳۹۱		۸,۷۶	۳۹۳۳۶	۴۴۸۸۵۱	۱۳۷۰
۲۰,۰۶	۱۵۵۳۶۹	۷۷۴۵۱۳	۱۳۹۲		۸,۰۴	۳۳۹۸۳	۴۲۲۴۵۷	۱۳۷۱
۲۲,۵۸	۱۶۳۵۶۹	۷۲۴۳۲۴	۱۳۹۳		۶,۳۲	۲۹۳۱۲	۴۶۳۴۸۷	۱۳۷۲
۲۳,۹۰	۱۶۳۷۶۵	۶۸۵۳۵۲	۱۳۹۴		۷,۲۱	۳۲۷۰۶	۴۵۳۶۷۱	۱۳۷۳
۲۵,۶۹	۱۸۱۰۴۹	۷۰۴۷۱۶	۱۳۹۵		۷,۵۱	۳۴۷۳۸	۴۶۲۸۵۵	۱۳۷۴
۲۹,۵۲	۱۷۹۷۰۹	۶۰۸۸۶۷	۱۳۹۶		۷,۸۹	۳۷۸۱۷	۴۷۹۲۶۳	۱۳۷۵
۳۱,۹۰	۱۷۵۶۱۴	۵۵۰۵۶۵	۱۳۹۷		۸,۱۸	۴۱۸۱۶	۵۱۱۴۰۱	۱۳۷۶
۳۲,۹۸	۱۷۱۲۴۶	۵۱۹۲۵۰	۱۳۹۸		۷,۹۸	۴۲۳۹۱	۵۳۱۴۹۰	۱۳۷۷
۱۲,۱۹	۷۵۱۲۱۰	۵۷۲۱۰۹	میانگین		۸,۳۵	۵۱۰۴۴	۶۱۱۰۷۳	۱۳۷۸

براساس اطلاعات بر گرفته از سایت مرکز آمار ایران

چنانکه در جدول ۱ آمده و در نمودار ۱ هم نمایش داده شده است طی این دوره ۴۰ ساله نسبت طلاق تغییرات قابل ملاحظه ای داشته است. ابتدا از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۵ حدود ۳ درصد افزایش یافته، سپس در سال ۱۳۶۸ به همین میزان کاهش یافته و دوباره پس از اندکی افزایش، در سال ۱۳۷۲ دو باره کاهش یافته و به رقم ۶/۳۲ درصد رسیده است. از آن به بعد پیوسته میزان طلاق افزایش یافته است و در سال ۱۳۹۸ به رقم ۳۲/۹۸ درصد رسیده است. یعنی بطور متوسط از هر ۳ ازدواج یکی به طلاق کشیده است. طبق این آمار در این چهار دهه بعد از انقلاب اسلامی نسبت طلاق به ازدواج حدود ۴/۵ برابر بیشتر شده است.

*6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



دقت در آمارهای نمودار ۱ ضمن اینکه یک روند تدریجی افزایش میزان طلاق را طی ۴ دهه گذشته نشان می‌دهد، همچنین در این مدت سه نقطه افت و خیز آماری را هم نشان می‌دهد که ممکن است سرنخی برای عوامل مؤثر بر این روند باشد. این سه مرحله شامل یک نقطه اوج در سال ۱۳۶۵ است که بعد از انقلاب طلاق‌های ثبت شده به نسبت ۱۰/۵ درصد میزان ازدواج‌ها می‌رسد؛ سپس دو باره شاهد کاهش تا سال ۱۳۶۸ و رسیدن به نسبت ۷/۴ و باز اوج دوباره تا سال ۱۳۷۰ و در آخر یک نقطه افت در سال ۱۳۷۲ و رسیدن به نسبت ۶/۳۲ هستیم. بعد از این افت‌وخیزها دیگر کاهشی در آمار طلاق رخ نداده و با شیب‌تندتری پیوسته افزایش یافته تا در سال ۱۳۹۸ به رقم نگران‌کننده ۳۳ درصد رسیده که نشان می‌دهد از هر سه ازدواج یکی به طلاق انجامیده است.

مهم‌تر از تغییرات نرخ طلاق طی دهه‌های گذشته در ایران، بررسی عوامل مؤثر بر آن است. در یک پدیده اجتماعی مانند طلاق باید تحولات و بحران‌های اجتماعی رخ داده در جامعه را در رابطه با عوامل زمینه‌ساز مورد توجه قرار داد. جامعه ایران در ۴۰ سال گذشته با تحولات و بحران‌های مهمی روبرو بوده است، مهمترین آنها که نه تنها جامعه ایران بلکه جامعه جهانی را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند شامل انقلاب ۵۷ و جنگ ۸ ساله ایران و عراق و نیز مخاصمات پیش آمده با جهان غرب و

**6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle**



قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا می‌شود که تحریم‌های اقتصادی فلج کننده‌ای را بر جامعه ایران تحمیل نموده و بحران‌های اقتصادی دشواری را در پی داشته، ارزش پول ملی و رشد اقتصادی را بسیار کاهش داده و میزان بیکاری را در جامعه بالا برده است.

از لحاظ بروز بحران‌های اجتماعی و اقتصادی مرتبط با آمار ازدواج و طلاق در آغاز اوج آمار نسبت طلاق یعنی سال ۱۳۶۵ را می‌توان اوج سختی‌های جنگ ایران و عراق دانست. جیره‌بندی مواد غذایی در شرایط جنگی و مشکلات معیشتی عرصه را بر مردم تنگ می‌کند. در این سال حملات موشکی و هوایی عراق به شهرها به اوج خود رسید و حتی استفاده از سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان عادی ایران صورت پذیرفت. پشتیبانی و تقویت قوای عراق آشکارا صورت می‌گرفت بطوری که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی در هشتم بهمن سخن از تهدیدات نظامی آمریکا به میان آورده و آقای میرحسین موسوی نخست وزیر نیز در پانزدهم بهمن به تحرکات ناوگان آمریکا در خلیج فارس اشاره نموده است (نگاهی به تاریخ سال ۱۳۶۵؛ ص. ۲۱۰). در پی برخی عملیات‌های ناموفق مانند عملیات کربلای ۴، پر تلافیات بودن پیشروی و نرسیدن به اهداف مورد نظر، کم‌کم آثار رکود و بی‌نتیجه ماندن عملیات‌های جنگی پس از پیروزی‌های اولیه و کاهش روحیه در میان جنگجویان ایرانیان پیدا می‌شود به گونه‌ای که مقامات لشکری و کشوری به فکر پایان دادن به جنگ می‌افتند.

دو سال بعد در سال ۱۳۶۷ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران که یکسال قبل به تصویب رسیده و بلافاصله از سوی عراق پذیرفته شده بود جنگ پایان می‌یابد و به تدریج آثار شوم آن از سر مردم کم می‌شود. بدنبال آن در سال ۱۳۶۸ شاهد رخدادهای مهمی در عرصه نظام سیاسی کشور و نیز امور اجتماعی هستیم. در ابتدای این سال آیت‌الله منتظری از قائم‌مقامی رهبری عزل می‌شوند، قانون اساسی برای اولین بار مورد بازنگری قرار می‌گیرد و موادی از آن تغییر می‌یابد، در مورد شرایط و اختیارات رهبری تغییراتی اعمال می‌شود، و سپس با فوت آیه‌الله خمینی رهبر کارزماتیک انقلاب و با گذشت یک دهه پر آشوب از شروع انقلاب در آمار طلاق نیز کاهش رخ می‌دهد.

با خاتمه جنگ امید به سازندگی و شروع دوران بهبود اوضاع و رشد اقتصادی در کشور افزایش می‌یابد. در دو سه سال بعدی که اوایل دوره سازندگی خوانده شده شاهد افت و خیزی در آمار طلاق هستیم بطوری که ابتدا اندکی افزایش و سپس کاهش در سال ۱۳۷۲ رخ می‌دهد که پایین‌ترین رقم رسمی طلاق (۶/۳۲) در این چهار دهه است. در خاطرات آقای هاشمی رفسنجانی هم از این دوران بنام «صلابت سازندگی» یاد شده است. تحولات سیاسی مرتبط با این دوره روی کار آمدن دولت دوم آقای هاشمی رفسنجانی است. پس از این سال رشد تدریجی اما کند آمار طلاق تا سال ۱۳۸۴ هستیم و در این مدت ۱۲ سال در مجموع ۴/۴ درصد به نسبت طلاق افزوده می‌شود که میانگین سالانه حدود ۰/۳۶ درصد است. این دوران در مجموع همزمان با دو دوره ریاست جمهوری آقایان هاشمی و خاتمی بود که به دوران سازندگی و اصلاحات معروف است و تنش‌زدایی با همسایگان و دیگر نقاط دنیا از سیاست‌های اصلی آنها بود.

اما از سال ۱۳۸۴ تا کنون نسبت طلاق به ازدواج در کشور رشد شتابانی یافته و در مدت ۱۴ سال سه برابر شده است. میانگین رشد سالانه آمار طلاق از ۳۶٪، درصد به ۱/۶ درصد رسیده است که نزدیک به چهار و نیم برابر دوره قبل شده است. در

*6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



این دوران که به لحاظ سیاسی دولت در دست آقایان احمدی نژاد و روحانی بود، تنش‌های مهمی با کشورهای دیگر و نیز بحران‌هایی در سطح سیاست داخلی بروز می‌کنند که مهمترین آنها اختشاشات سال‌های ۱۳۸۸ بر سر نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در دوم انتخاب آقای محمود احمدی نژاد و اختشاشات آبان ۱۳۹۸ در اثر افزایش قیمت سوخت در کشور بودند. از سوی دیگر در روابط با کشورهای خارجی بخصوص آمریکا، کشور بارها تا مرز جنگ پیش رفت و اثرات فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های جهانی علیه ایران بر وضع معیشت مردم بسیار سنگین بوده است که تا کنون ادامه دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر مبنای آمارهای رسمی ازدواج و طلاق و نسبت آنها به تحلیل روند افزایش نسبت طلاق پرداختیم. در ابتدا لازم به توضیح است که شاخص‌های بررسی وضعیت طلاق به چند صورت است: یکی تعداد طلاق در ۱۰۰۰ نفر جمعیت بالای ۱۰ سال است. شاخص دیگر، تعداد طلاق به تعداد ازدواج است که تحت تاثیر رفتار ازدواج هم تغییر می‌کند. همچنین شاخص دیگری به صورت تعداد طلاق به جمعیت دارای همسر تعریف می‌شود (درگاهی و همکاران، ۱۳۹۷). شاخص اول به این دلیل چندان دقیق به نظر نمی‌رسد که جمعیت ازدواج نکرده را هم در محاسبات وارد می‌کند. شاخص دوم چون تحت تاثیر آمار ازدواج است ایجاد ابهام می‌کند زیرا ممکن است طلاق زیاد نشده باشد اما ازدواج کم شده باشد. این شاخص نمایانگر موقعیت تشکیل خانواده و استحکام زندگی زناشویی و مقاومت آن در مقابل مشکلات و مسائل تهدیدکننده رابطه نکاحی زن و مرد است. وقتی گفته می‌شود نرخ طلاق یک سوم ازدواج است یک برداشت کلی از شاخص جمعیتی و وضعیت زناشویی و خانواده بدست می‌آید گویای این که فقط دو سوم ازدواج‌ها در وضعیت تشکیل خانواده و زناشویی پایدار مانده‌اند. آمارها نشان می‌دهد در کشور ما هر دو حالت اتفاق افتاده است، هم طلاق افزایش یافته هم ازدواج کاهش پیدا کرده است. در واقع کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق با شبیهی تقریباً برابر و درخلاف جهت هم در حال انجام است (بحرانی، ۱۳۹۷) و در نتیجه چشم‌انداز شکل‌گیری قرارداد زناشویی و تشکیل خانواده نامناسب و نگران کننده است. اینکه یک سوم از ازدواج‌ها نافرجام باشد هشدار بسیار جدی نسبت به ناپایداری قرارداد زناشویی در سال‌های اخیر بوده و نیاز به دخالت و جلوگیری از این روند نامیمون است.

در تحلیل عوامل فرضی زمینه ساز روند افزایش نسبت طلاق به ازدواج زوج‌های ایرانی در چهار دهه گذشته شرایط سیاسی-اجتماعی و فرهنگی این برهه زمانی مد نظر قرار گرفت زیرا تحولات خاصی در عرصه اجتماعی در این سال‌ها رخ داده است که تقریباً بی‌سابقه بوده است. انقلاب ۱۳۵۷ با رنگ و بوی دینی و رهبری روحانیون و سپس تشکیل حکومت ایدئولوژیک در تاریخ ایران سابقه نداشته است. این تحول شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خاصی را رقم زد که قبل از آن هرگز مردم ایران نظیر آن را تجربه نکرده بودند، چنانکه اجرای قوانین مدنی بر مبنای احکام دینی برای اولین بار صورت می‌گرفت و در بین اقشار مختلف خوش‌بینی‌ها و بدبینی‌هایی را به همراه داشت. اثرات فرهنگی این تحول در سطح جامعه احساسات عمومی را در مورد پدیده‌های اجتماعی مانند طلاق و ازدواج دامن می‌زد در نتیجه در سال‌های اول پس از انقلاب شاهد افزایش ازدواج‌ها و رشد جمعیت بودیم.

وقایع دیگری مانند جنگ هشت ساله ایران و عراق و تعارض با قدرتهای جهانی به سبب شعارهای انقلابی نیز در نوع خود بی‌سابقه بود. جنگی که تکیه آن بر نیروهای مردمی و جوانان نسل انقلاب بود و حمله یا دفاع در آن نه بر اساس شیوه‌های کلاسیک بلکه با دیوار انسانی انجام می‌گرفت. چنین شرایطی مسلماً بر پدیده‌های اجتماعی دیگر مانند ازدواج و طلاق اثر

**6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle**



می‌گذاشت و بیم و امیدها در این راستا آمارهای جمعیت را دستخوش تغییر می‌نمود. اثر جنگ بر نرخ طلاق در تحقیقات دیگر هم مورد توجه قرار گرفته است. از این رو در سال‌هایی که فشارهای جنگ افزایش یافته مانند سال ۱۳۶۵، با افزایش نسبت طلاق و ازدواج همراه بوده و هر جا از این فشارها فاصله گرفته و امیدها رخ نموده‌اند مانند سال ۱۳۷۲ که چشم‌انداز رونق اقتصادی پس از دوران جنگ نمودار شد کاهش این شاخص را شاهد هستیم. اثر جنگ بر طلاق از سوی محققان در کشورهای دیگر هم مورد توجه قرار گرفته است بطور نمونه، سوت^۵ (۱۹۸۵) بین افزایش نرخ طلاق در آمریکا و مدت جنگ ویتنام رابطه مثبت بدست آورد، ولی با مدت جنگ کره رابطه نیافت.

اما با وجود سپری شدن دوران جنگ ایران و عراق، دوره جدیدی از جنگ سرد دو باره بروز کرد که با مسائل اتمی ایران و فشارهای قدرت‌های جهانی و قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل از دو دهه پیش شکل گرفت و تا این زمان همچنان ادامه دارد که گاهی از آن به عنوان جنگ اقتصادی آمریکا علیه ایران یاد می‌شود. در پی فشارهای اقتصادی بر اقتصاد نحیف ایران، افزایش تورم با شاخص‌های دو رقمی و بی‌کاری یا درآمد ناچیز بخصوص برای جوانان تحصیل کرده دانشگاهی که نیروهای اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند، کم‌کم فرار یا به تأخیر انداختن ازدواج یا برهم زدن قرار ازدواج به یک رویه معمول تبدیل می‌شود، بطوری که آمارهای ازدواج سیر نزولی پیدا کرده و سن ازدواج افزایش یافته و بدنبال مشقت اقتصادی فرزندآوری نیز بسیار کاهش یافته است. به نظر می‌آید اثر جنگ بر طلاق از سوی محققان در کشورهای دیگر هم مورد توجه قرار گرفته است بطور نمونه، سوت^۶ (۱۹۸۵) بین افزایش نرخ طلاق در آمریکا و مدت جنگ ویتنام رابطه مثبت بدست آورد، ولی با مدت جنگ کره رابطه نیافت. به نظر می‌رسد بازنگری سیاست خارجی در جهت رفع تنش با دنیا تنها راهی است که می‌توان برای فاصله گرفتن از شرایط کنونی توصیه نمود تا با کاهش فشارهای اقتصادی وضعیت ازدواج و طلاق به شرایط عادی باز گردد.

منابع

- بحرانی، محمود (۱۳۹۲). تحلیل آمارهای ازدواج و طلاق زوج‌های ایرانی طی پنج دهه گذشته. مجله جمعیت، سال بیستم - شماره ۸۵ و ۸۶، ۴۳-۵۶.
- بحرانی، محمود (۱۳۹۷). مروری بر آمارهای ازدواج و طلاق در ایران طی دهه منتهی به سال ۱۳۹۷، کنفرانس بین‌المللی تحقیقات بنیادین در مدیریت، توسعه و علوم انسانی، کد مقاله: CFRLC01_022
- درگاهی، قاسمی و بیرانوند (۱۳۹۷). عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر طلاق در ایران با تأکید بر ادوار تجاری، آموزش و اشتغال زنان. فصلنامه اقتصاد و الگوسازی دانشگاه شهید بهشتی، سال نهم، شماره چهارم، ۹۵-۱۲۰.
- عسکری ندوشن عباس؛ شمس قهفرخی مهتری و شمس قهفرخی فریده (۱۳۹۸). تحلیلی از مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با طلاق در ایران. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۸، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲۵، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۱۶-۱.
- فلاحی محمدعلی و دلدار فائزه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر در طلاق در استان‌های ایران، با تأکید بر عوامل اقتصادی. مجله آموزشی و فرهنگی زنان و خانواده‌ها، ۱۰ (۳۴)، ۱۵۴-۱۳۹.

5. South

6. South

**6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle**



Doi: 10.22108/SRSPI.2019.116983.1402

کلانتری عبدالحسین، روشن فکر پیام و جواهری جلوه، (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات "علل طالق" در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره ۵۳، ۱۶۲-۱۲۹.

محمودیان، سراج الدین. (۱۳۹۹). تحلیل پدیده طلاق در بستر وضعیت فرهنگی - اقتصادی استان فارس طی سالهای ۱۳۹۰ - ۱۳۹۸. *جامعه شناسی فرهنگ و هنر*، ۲ (۲)، ۱۳۲-۱۴۷.

doi: <https://doi.org/10.34785/J016.2020.135>

Burgess, S., Propper, c. & Aassve A. (2003). The Role of Income in Marriage and Divorce Transitions among Young Americans. *Journal of Population Economics* · DOI: 10.1007/s00148-003-0124-7. Dowloded from: file:///C:/Users/shiraz%20university/Downloads/wp-2002-022.pdf

SOUTH, S. J. (1985). Economic Conditions and the divorce rate: A time-series analysis of the postwar United States. *Journal of Marriage and Family*, 47 (1), 30-41. <http://www.jstor.org/page/info/about/policies/terms.jsp>

*6th International Conference on
Humanities, Social Sciences and Lifestyle*



**Predisposing factors of increasing the ratio of divorce-marriage
ratio during the years 1980 to 2019**

Mahmoud Bahrani

Shiraz University

Abstract

Divorce has been studied as a social harm from various aspects. The gradual increase in divorce rates and the decrease in marriage statistics in Iran in recent years has attracted more attention and its causes and factors have been questioned. In this descriptive-analytical study, socio-economic and political contexts in the historical context of four decades after the 1979 revolution have been analyzed as correlations of divorce. Statistical data indicate an increase in the divorce-to-marriage ratio over the past forty years, and the associated statistical fluctuations show areas where political and social crises are prominent and economic issues underlie the pressures or discounts associated with marriage and divorce. The conditions of war and the pressure of economic sanctions at different times are considered to be very effective in this regard, and a solution in this regard can lead to a return to normalcy.

Keywords: divorce, marriage, sanctions, war, socio-economic and political contexts.